



یکی از دلایل غیبت امام عصر (عج) ستم پیشه بودن انسان‌هاست

از برخی روایات چنین برمی آید که یکی از علت‌های غیبت، ستم پیشه بودن انسان‌هاست. در روایت داریم که خداوند به دلیل ستم و انصافی که بندگان بر خود روا می‌دارند، حجتش را از آنها مخفی می‌دارد.

از برخی روایات چنین برمی آید که یکی از علت‌های غیبت، ستم پیشه بودن انسان‌هاست. در روایت داریم که خداوند به دلیل ستم و انصافی که بندگان بر خود روا می‌دارند، حجتش را از آنها مخفی می‌دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

در روایات معصومین (ع) و سخنان دانش‌روران بزرگ شیعه از موضوع‌های مختلفی به عنوان حکمت، فلسفه یا علت غیبت امام عصر (ع) یاد شده است که در بخش قبلی این یادداشت به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره کردیم. در ادامه موارد دیگری از این دلایل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

ه (ستم پیشه بودن انسان‌ها

از برخی روایات چنین برمی آید که علت یا فلسفه غیبت، ستم پیشه بودن انسان‌ها بوده است. در روایتی که از امام علی (ع) نقل شده، در این زمینه چنین آمده است: **وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَيَعْمِي خَلْقَهُ عَنْهَا يَطْلُمُهُمْ وَجَوْرُهُمْ وَإِسْرَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ**. [۱] بدانید که زمین از حجت‌های عزوجل خالی نمی‌ماند، ولی گاهی خداوند به دلیل ستم و اسراف‌های که آفریدگان بر خودشان روا می‌دارند، حجتش را از آنها مخفی می‌دارد.

این موضوع برای هر پژوهشگر تاریخ‌نگاری ائمه دوازده‌گانه شیعه (ع) مسلم است که هر چه از عصر امام علی (ع) بیشتر فاصله می‌گیریم، میزان حضور امامان معصوم در متن وقایع جامعه کاهش می‌یابد. فشار و تهدیدهای خلفای جور از یک سو و ناهلی مردم زمانه از سوی دیگر نیز سبب می‌شود که روز به روز از تعداد یاران باوفا گداگرد ائمه عصر کم شود و در نتیجه، ایشان، خود را در غربت و تنهایی بیشتری احساس کنند. به بیان دیگر، جامعه اسلامی روز به روز شایستگی خود را برای پذیرش امام معصوم بیشتر از دست داد تا جایی که هر چه به عصر غیبت صغرا نزدیک‌تر می‌شویم، از ارتباط مستقیم ائمه با مردم و حضور عملی ایشان در جامعه کاسته می‌شود.

این نکته در زندگانی امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) به خوبی مشهود است. امام هادی (ع) حدود سی سال پیش از میلاد امام عصر (ع)، رفته رفته ارتباط خود را با مردم زمان خویش کم کرد و جز با شمار اندکی از یاران خاص خود تماس نمی‌گرفت. امام عسکری (ع) نیز در عصر خود بیشتر با نام **رنگار** با یاران خود ارتباط برقرار می‌کرد و بسیاری از امور شیعیان خود را از طریق نمایندگان و وکیلان خویش حل و فصل می‌کرد و کمتر با آنها به طور مستقیم روبه‌رو می‌شد، البته شاید بتوان در پیش گرفتن این سیره از سوی این دو امام بزرگوار را اقدامی در جهت زمینه‌سازی برای غیبت امام مهدی (ع) تفسیر کرد، ولی با در نظر گرفتن شرایط کلی جامعه اسلامی در آن روزگار، این موضوع که آن بزرگواران به دلیل ناهلی مردم زمانه در غربت و تنهایی به سر می‌بردند، چندان دور از ذهن نیست.

برای روشن‌تر شدن این موضوع، به عبارتی از مسعودی در إثبات الوصیة اشاره می‌کنیم که پیش از این آن را نقل کردیم و در آن آمده بود: امام هادی (ع) خود را از بسیاری از شیعیان پوشیده می‌داشت و جز تعداد اندکی از یاران خاص آن حضرت، ایشان را نمی‌دیدند و امام حسن عسکری (ع) نیز چه با یاران خاص خود و چه با مردم عادی از پشت پرده سخن می‌گفت مگر هنگامی که آن حضرت برای رفتن به دارالخلافه از خانه خارج می‌شد. [۲]

البته بعضی تاریخ‌نگاران، کلام مسعودی را مبالغه‌آمیز توصیف کرده‌اند، [۳] ولی در مجموع، از این کلام و به قرینه دیگر اسناد تاریخی می‌توان استناد کرد که ارتباط امام هادی و امام عسکری (ع) با جامعه بسیار کاهش یافته بود و آن دو امام بر شیوه ائمه پیش از خود نبودند و ارتباط چندانی با مردم نداشتند.

بنابراین، می‌توان گفت چون میان قابلیت‌ها و شایستگی‌های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم (ع) و میزان حضور

امام در جامعه، ارتباط متقابلی وجود دارد، به هر اندازه که جامعه شایستگی خود را از دست دهد و از ارزش های الهی فاصله بگیرد، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله می گیرد و از حضور خود در جامعه می کاهد؛ زیرا رحمت الهی در جایی فرود می آید که سزاوار رحمت باشد.

در قرآن کریم می خوانیم: ذَلِكَ يَأْتِ اللّٰهَ لِمَ يَكْفُرُ بِالنَّبِيِّ إِذْ يُرْسِلُ بِالْبَيِّنَاتِ بَشَرًا مِّنْ قَوْمِهِمْ لِيُرِيَهُمْ آيَاتِهِ لِيُؤْمِنُوا بِهِمْ وَلَئِن يَأْتُواكُم بَشَرًا مِّنْ قَوْمِهِمْ يَقُولُوا غَيْرُ بَشَرٍ لِّمَّا كَانَتْ إِلَيْنَا آيَاتُهُمْ لِيُرِيَهُمْ آيَاتِهِمْ وَلِيُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِالَّذِينَ كَفَرُوا وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَئِن لَّا يَدْرَأُوا عَذَابَ اللَّهِ كَانُوا حَتْفَةً أَوْجُوهِهِمْ يَوْمَ يُنْفَخُ السَّمَاءُ كِطَابًا لِّمَن يَنْتَظِرُ يَوْمَ يَأْتُ السَّاعَةَ بِغَافِلِينَ [۴] این [کیفر] بدان سبب است که خداوند، نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته است، تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند، تغییر دهند....

به بیان دیگر، به مصداق قاعده یادشده که قرآن کریم بیان می دارد. آن گاه که جامعه اسلامی دگرگون شد و مسلمانان از نظر درونی تغییر یافتند و ارزش های الهی خود را از دست دادند، خداوند نیز نعمت وجود امام معصوم (ع) در میان مردم را که از بزرگ ترین نعمت های الهی به شمار می آید، از آنها گرفت و امام از دیدگان مردم پنهان شد.

شاهد بر این مدعا روایتی است که از امام باقر (ع) نقل شده و در آن آمده است: «إِذَا غَضِبَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلٰى خَلْقِهِ، تَخَانَا عَن جَوَارِهِمْ؛ هُنَّكَامِي كَمَا خَدَّوْنَ مِنْ أَفْرِيدِ كَانَتْ خَشْمَكِيْن شُوْد، مَا [أَهْل بِيْت] رَا مِنْ جَوَارْت بَا أَنَهَا دُوْر مِي سَاذ.» [۵] آن حضرت در جایی دیگر می فرماید: إِنَّ اللّٰهَ إِذَا كَرِهَ لَنَا جَوَارَ قَوْمٍ نَزَعْنَا مِنْ بَيْنِ أَطْهَرِهِمْ. [۶] هرگاه خداوند مجاورت قومی را برای ما نپسندد، ما را از میان ایشان بیرون می برد.

باشد تا با گذشت سال ها، مردم به خسارت بزرگی که از ناحیه نبود معصوم در میان خود متحمل شده اند، پی ببرند و بار دیگر آماده پذیرش نعمت بزرگ الهی؛ یعنی حضور مستمر امام معصوم (ع) در جامعه شوند. پی نوشت:

[۱]. ابوالفضل علی طبرسی، مشکاة الأنوار، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ . ق، ص ۷۰.

[۲]. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۲۰۲، ج ۴.

[۳]. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

[۴]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۸، ج ۲.

[۵]. محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، الرسالة الثالثة فی الغیبة، مندرج در: سلسله مصنفات الشیخ المفید، ج ۷، صص ۱۱ و ۱۲.